



۲۰۰۱۵/۱۲/۲

ملالی موسی نظام

حالت زارمادی عبدالله عبدالله با بخور و نمیر، قابل تشویش است

بتاریخ ۲۸ نوامبر مطلبی در مطبوعات، منجمله بی بی سی نشر شد که دولت افغانستان گویا دارایی های مأمورین عالیرتبه را ارزیابی و بازخواست مینماید که از آنجمله ارقامی از دارایی های عبدالله عبدالله رئیس اجرایی دولت جمهوری افغانستان، عضو برجسته شورای نظر که موجودیت مقام اداری وی خود از نگاه قانون اساسی افغانستان غیر مجاز و سوال بر انگیز است، برای فریب و تحریف اذهان مردم بینوای افغانستان از جانب مقام ذی صلاح با چنین خبری بنشر رسیده است: "اداره عالی مبارزه با فساد اداری افغانستان فهرستی از دارایی های عبدالله عبدالله، رئیس اجرایی دولت وحدت ملی افغانستان را نشر کرده و از مردم خواسته که اگر او دارایی دارد که ثبت نشده، به این نهاد اطلاع دهند".

در افغانستان که فساد اداری در پهلوی هزاران درد بیدرمان و مصائب خانمانسوز منجمله فقر و مسکنت اکثریت ملت بینوا، بیداد مینماید، طرح موضوعی در مورد دارایی های عبدالله عبدالله و معلومات عجیب و غیر واقعی تناسب آن به آنچه واقعیت های آشکارا بیان میدارد، قابل سوال و تعمق است. راستی که چنین راپور مسخره مردم فریب و به منزله جنایت تحریف اذهان عامه بوده که چطور میشود که فیلم زندگی پر از تجمل و کش و فش افغان معلوم الحالی را که با چشم دید هموطنان در داخل و خارج، صحنه های بیشمار غناء و ثروت بی حسابی را نمایش میدهد، بتوان باور نمود وی از جمله هموطنانی است که خود و همه فامیل او، با تنخواه دولت امرار معاش می نمایند. گرچه عایدات سرشار جهاد و مواد مخدره، فروش اسلحه و پول خارجی کمکی برای مردم افغانستان، عده زیادی را در صف ملیونران جهانی قرار داده است که وابستگان زیدخل در جنگ های افغانستان و مقتدرین ادوار بعد از کودتای ثور که تعداد شان از شمار بیرون است، همه به نوایی رسیده اند که در اثر چنین چور و چپاول های دارایی های عامه، ملت فقیر افغانستان فقیر تر گردیده است.

ولی در مورد شیوه زندگی تجملی عبدالله عبدالله باید گفت که وی تمول سرشار خویش را از هر لحاظ واضحاً به نمایش هم گذاشته است، چنانچه دهه هاست که نامبرده نیز مشتری وفادار مغازه های مود و فیشن درجه اول امریکا در «بیورلی هلز» منطقه هالیوود است که ملیونرها و ستاره های توانگر سینما مشتریان آنان هستند، چنانچه رسید و سند خریداری های ۱۰ هزار دالری و بیشتر از آنرا که شامل دریشی و البسة قیمت بهای عبدالله عبدالله می باشد، بار ها توسط خانم مطبوعاتی با شهامت و مبارز «سجیه کامرانی» و مدیر مسئول تلویزیون آریانای افغانستان آقای «نبیل مسکینیار»، با استناد اعلام گردیده است. گفته میشود که منزلی که در منطقه قیمتی شهر مکلین ایالت ورجینیا

خریده است، به قیمت خیلی بالا است. در شرائط فساد اداری بی لجام افغانستان که چور و چپاول دارایی های عامه و سرازیر شدن بیشترین سرمایه های جهانی، هر دو بی نظیر می باشند، بیچاره عبدالله عبدالله رئیس قوای اجراییه که «اشغال» چوکی پوشالی قدرت را با مصرف هنگفتی با دسیسه بازی های محیر العقولی صاحب گردید، اگر حقیقتاً دست خالی و جیب خالی تر تشریف داشته باشد «!؟»، دل سنگ باید به حال چنین یک شخصیت صادق و خدمتگار مردم افغانستان آب گردد.

عبدالله عبدالله از همان عصری که «احمد شاه مسعود» خود با بستگی های چند جانبه به استخبارات ممالک مختلفه و همراهی نزدیک و علنی ای که با اتحاد شوروی در عصر اشغال افغانستان با حفظ پایپ لین گاز و مراقبت شاهراه سالنگ برای عبور قوای زمینی اتحاد شوروی داشت، با وی همگام و یار غار بود. در دوره اشغال کابل و قتل سکنه بیگناه آن توسط تنظیم های جهادی، بیشترین در نتیجه راکت پرانی های مسعود - حکمتیار بر اهالی بیدفاع پایتخت، یعنی در عصر ناکام و خونین حکمروایی برهان الدین ربانی، در جوار مسعود رمز و رموز بقاء در قدرت را فرا گرفت. این نزدیکی تا حدی بود که در حالتی که از کوه آسمایی- کوه تلویزیون یعنی قرار گاهی که «احمد شاه مسعود» و همراهانش با استعمال توپ خانه از بالای کوه شهر های منطقه سیلو، جمال مینه و افشار را در برودت ماه فروری ۱۹۹۳ زیر آتش و گلوله باری بیرحمانه قرار دادند و سکنه بیدفاع و نهایت مظلوم آن مناطق، مخصوصاً افشار را قتل عام نمودند، تصویر عبدالله عبدالله در جوار مسعود، فهیم، قانونی در ویدیو هایی که در دسترس مطبوعات افغانی قرار دارد، در آن جنگ یکطرفه سبعمانه، واضحاً به چشم میخورد. این فاجعه خونین انسانی که جزئی از حوادث رقت بار تاریخ جهان بوده و در نوع خود بینظیر است، بنام «قتل عام افشار- Afshar massacre» در صفحات رویداد های استخوان سوز مؤسسات حقوق بشر دنیا ثبت گردیده است.

در راپور رسمی «کمیته نظارت بر حقوق بشر» یکی از تشکیلات فرعی ملل متحد که جریانات جنگ های خانمان سوز و جنایات بشری را در افغانستان افشاء می نماید، در لست جنایتکاران جنگ های کابل، مخصوصاً جریان خونین «قتل عام افشار» در پهلوی اسم احمد شاه مسعود، قسیم فهیم، قانونی اسم عبدالله عبدالله هم دقیقاً ذکر است. اخیراً وبسایت ملی «افغان سباوون» که از ناروی پخش میشود، ویدیویی را ذریعه محترم «طارق بزگر» مدیر موفق آن پخش نموده است که متأسفانه بسیار روشن نیست. این پروگرام روشنی ای به فعالیت های گذشته عبدالله عبدالله و گفتار و کار روایی های ناقص این دوره وی می اندازد. ویدیو صحنه های دلخراشی از مناظر کابل ویران را در حالی نشان میدهد که صدای ضجه، ناله و فریاد اطفال، زنان و اهالی متصل هم به گوش میرسد که گویا بر جنازه و زخمی های عزیزان با بیچارگی مینالند و در حالیکه صدای گلوله باری و راکت هایی که در فضا در پرواز اند شنیده میشود، دیدار صحنه های رقت بار جنایات بر مردم پایتخت، از تحمل بیننده بیرون میگردد. دربین چنین نمایش تراژیدی، صحنه هایی هم از امروز عبدالله عبدالله را با البسه نهایت گرانبهای همیشگی در مقابل ده ها میکروفون نشان میدهد که چنین بیاناتی و وعده هایی به مردم افغانستان می نماید:

"در مورد فعالیت های سازمان های گذشته ما، با شما صادقانه حرف میزنیم و اگر مردم ما خواستار یک مناظره جانانه ای در زمینه باشند، از همین تلویزیون ما در خدمت تان حاضر هستیم و وعده میدهیم....." بلی افغانستان جنگ زده و مردم در نهایت بینوا و بی دفاع آن هنوز هم، در چنگال چنین اهریمن های ملت سوزی اسیر اند.

به ارتباط بستگی های «احمد شاه مسعود» با سی آی ای که همه البته با عنصر «پول» گره خورده است، ارتباطات متفرقه عبدالله عبدالله با استخبارات ممالک گوناگون هم، آموزشی است که از استاد وی مسعود قهرمان «!» به وی به ارمغان باقی مانده است.

بعد از مرگ قهرمان و حادثه حمله به آسمان خراش های مرکز تجارت جهانی در نیویارک در سپتامبر ۱۱ سال ۲۰۰۱، افغانستان ویران یکبار دیگر در محراق توجه جهانیان، البته بیشتر ایالات متحده امریکا قرار گرفت، نظر به روابط و سوابقی که «گیری شرون» مأمور سی آی ای با «احمد شاه مسعود» داشت، تاحدی که با هلیکوپتر، مرکب و یابو تا پنجشیر برای ارتباط و رسانیدن هدیه نقدی سرشار که بانک نوت ها در بکس ها حمل می شد، مامور مذکور رنج سفر را متقبل میگردید. اینبار «گیری شرون» با اعصای پیر، یعنی عبدالله عبدالله، همچنان با حمل دالر مشکل گشا به سراغ وی میروید. کتاب «گیری شرون» بنام (Firs In) که بصورت وسیع در دسترس است، چنین ارتباط عمیق و پر سودی را به وضاحت نشان میدهد. البته اثرات این حاتم بخشی با خریداری های امتعه نهایت گران بها که عبدالله عبدالله عقیده ای به پنهان نمودن آنها نداشته، وی را یکی از دست و دلبازان و خراجان این دوره معرفی نموده است. وی چند سال قبل یکی از مستخدمین تبلیغات چی خویش را در همین ایالت ورجنیا با تعداد زیادی فامیل وی، به حج خانه خدا روان نمود. یعنی که نگویید رئیس انتصابی قوای اجراییه دولت افغانستان، حاتم بخشی و سخاوت ندارد.

هموطنان به یقین در تلویزیون های افغانی و تعدادی از ویبسایت ها، ویدیوی خانم با شهادت افغانی را در کلیفوریای شمالی مشاهده نموده اند که در مجلسی که به حضور عبدالله عبدالله در دوره وزارت خارجه نامبرده تهیه گردیده بود، به مقابل وی میروید به اساس متون و معلومات همین کتاب «گیرب شرون» به وی یاد آوری و خطاب نموده از مبلغ چند میلون دالری که منحیث رشوت به وی داده شده است، میپرسد و قبل از اخراج جبری خانم غوثی، عبدالله عبدالله جواب میدهد که بلی، چنین مبلغی را دریافت نموده ام، خوب هم کرده ام!

در انتخابات جنجالی و طولانی اخیر که هر روز بهانه ای از جانب نامرده و گروه منفعت طلب وی در عقب انداختن نتیجه آراء، ارقام مصارف به پشتیبانی از انتقادات و بهانه گیری های غیر قانونی او، بالا میرفت، چنانچه تنها حمایت و مصارفی که ایران برای نصب وی بر مسند ریاست جمهوری افغانستان متحمل گردید، بالغ بر شش ملیون دالر می شد. پس این مفلس خوشحال ملیگرا و عاشق افغانستان و مردم آن «؟!» که از زیر خیمه قانون اساسی با اعلام «اشغال» ارگ جمهوری، مردم را تحریک به اغتشاش و بی امنیتی مینمود، اینقدر کم بغل و به شرائط امروزی کم دارایی است که لاجرم باید هم کیشان و مخصوصاً جمیعت متمول شورای نظار باید ترحمی و توجهی بحال زار وی نمایند؛ هرچه نباشد بعد از «مسعود کبیر»، به انتخاب استخبارات دول ذیعلاقه، عبدالله عبدالله جا نشین آن قهرمان جنگ های خانمانسوز افغانستان و کشتار شهر کابل و ویرانی بنیادی پایتخت بوده و همانطور که در کتاب (First In- Gary Schroen) ذکر شده است مصارف گوناگون وی این مجاهد خوش پوش، گاهی هم از عواید گروهی و فروشات سنگ های قیمتی، قسماً از جانب مقامات سی آی ای، ایران و بقیه ممالک ذیعلاقه، با تبادله بانکی ویا به پول نقد در بکس ها همان طوریکه سابقاً در پنجشیر صورت می گرفت، تمویل میگردد. مصارف خانم و مکاتب خصوصی اطفال عبدالله عبدالله که با وجود اقامت همیشگی وی در افغانستان، در نوعی تبعید بسر میبرند،

حتی با شرایط حیات در هند و مکاتب عالی خصوصی در هرطرف، آنقدر نا چیز است که صرف میتواند با خاک بر چشم ملت زدن چنین یک راپوری را میلیاردری چون عبدالله عبدالله پیشکش ملت فقیر و ناتوان افغانستان نماید و باور هم بکند که همه قبول نموده اند.

عبدالله عبدالله هر زمانیکه درین ۱۴ سال اخیر مسافرتی به امریکا داشته است، در ایالت ورجینیا که تعدادی فامیل و دوستانی هم دارد، اکثراً در بالا ترین هتل پنج ستاره در شهر مکین بنام «رتس کارلتون» که متوسط شبی ۳۵۰۰ الی ۵۰۰۰ دالر بر مهمانان مقیم هتل چارج مینماید، اقامت داشته و عکس هایی هم با گروه خدمتگاران معاش بگیر شورای نظر که به ملاقات وی می رفتند، گرفته و در اخبار تفرقه انداز «امید» به نشر رسانیده است. اگر این حاتم بخشی ها از کیسه خلیفه وجیب مردم بینوای افغانستان و پول باز سازی و مصارف ملی بودجه دولت است، خود خیانتی است غیر قابل جبران و درد آور؛ ولی اگر چنین مصارفی مظهر روش خاصی می باشد که وی بدان بشهرت رسیده و از پول های باد آورده برای ارضای عقده های تجمل پوشی و تظاهر به کتمان شخصیت پوشالی ای که الحق زیر البسه گرانبها و طرز حیات چشمگیر وی نهان است، البته چیزی نیست که از دید مردم افغانستان پنهان گردد.

عبدالله عبدالله در انتخاب گوشه های دیگری از حیات شخصی هم مصارف هنگفتی دارد، ازدواج دوم وی با دختری مقیم فرانسه بنام «مریم نجفی» که سر و صدای زیادی را سبب گردید و برای پنهان نگهداشتن قضیه ازدواج، البته مصارف تجملی اقامت خانم جدید در فرانسه و دویی هم بیحد بوده است که با پایان اجباری وصلت که بر خانم در کابل تحمیل گردید، مسائل دعوی حقوقی هم صورت گرفت که همه ایجاب بودجه های هنگفتی را البته می نماید. در حقیقت مرجعی که برای اغفال هم وطنان و یک فورمالیته مسخره و مردم فریب چنین راپوری را پذیرفته و به اطلاع عوام الناس میرساند، نمیتواند از هیچگونه صداقت و اعتباری برخوردار باشد.

پایان